

شفاعت به معنای یاری رساندن به در خواست

کمک دیگری است. هنگامی که شخصی مر تکب خطا و اشتباه یا حتی گناه و جرمی شده است از کسانی‌که‌از مقام و جایگاه برتری برخوردارند یاری می‌خواهد تا همراه او باشند و پرایش وساطت کنند تا این‌گونه از گناه و جرم و چشم‌پوشی شاد شود.

یکی از اصطلاحات قرآنی، شفاعت است. بر اساس آموزه‌های اسلام، شفاعت در دنیا و آخرت در شرایطی امکان پذیر است. این مسئله به‌ویژه در قیامت که دست انسان از حق و هر چیزی کوتاه‌است بسیار مهم و اساسی است.اگر بخواهیم درباره ابعاد گوناگون شفاعت در زندگی انسانی سخن بگوییم باید آن را همانند علم اسلامی توبه در درجه بسیاری از اهمیت قرار دهیم؛ زیرا کارکرد مهم و اساسی آن ایجاد انگیزه بارگشت به مسیر راست و به وجود آمدن امید در دل‌های خطاکاران و گناهکاران است. نویسنده در این مطلب بخشی از حقایق اصل شفاعت و شرایط پهرمندی از آن را بر اساس آیات و روایات تبیین کرده است.

منوچشماسی‌شفاعت

یکی از اصول امیدبخش و امیدآفرین اسلامی، اصل شفاعت است. این اصل در کنار اصل توبه می‌تواند درجه امید را به سوی دل‌های خطاکاران و گناهکاران باز کند و آنها را به بازگشت و حرکت در مسیر راست ترغیب نماید و از فرورفتن در گرداب گناهان بیشتر و شقاوت بدتر باز دارد. در آیات قرآن از شفاعت به معنای یک اصل سخن گفته شده است. شفاعت به معنای یاری کردن دیگری جهت وساطت در نزد بزرگی است. کسی که اقدام به شفاعت می‌کند، شفیع نام دارد. واژه شفاعت و شفیع از واژه شفیع گرفته‌شده که به معنای جفت در مقابل واژه‌تر به معنای تک‌است.شفاعت به معنای منضم کردن چیزی به چیزی است. (لغب اسفغانی، المعروفات ص: ۴۵۷)

شفاعت در فرهنگ جاهلی وجود داشته و به معنای ضمیمه شدن فردی به فرد دیگری برای کمک گرفتن از او بود. این واژه در عمده موارد در جایی به کار می‌رود که کسی که از مقام بالاتری برخوردار است ضمیمه به فردی می‌شود که مقامش پایین‌تر از او است تا واسطه شده و او را از مجازات رهایی بخشد و عفو و بخشش را برای او بخواند. در فرهنگ جاهلی این رسم وجود داشت که خطاکاران برای رهایی از مجازات و درخواست عفو و گذشت، بزرگی را با خود همراه می‌کردند تا وساطت کند. کسی که وساطت خطاکار را به عهده می‌گرفت شفیع نامیده‌می‌شد. کاربرد آن در دوره جاهلی بیشتر در مورد فرار گرفتن مقامی برتر و گرم‌تری در کنار شخصی پایین‌تر جهت وساطت در امری بوده است. در حقیقت شخص شفیع از موقعیت خود استفاده می‌کرد تا نظر شخص صاحب قدرتی را در مورد مجازات زیردستان عوض کند. شفیع برای رسیدن به این مقصود، گاهی با استفاده از نفوذ اجتماعی و اعتبار شخصیتی و گاه دیگر از قدرت خود استفاده می‌کرد و به سبب وحشتی که شفیع و نفوذ او داشت، شفاعت او پذیرفته می‌شد. البته زمانی هم شفیع با استفاده از مساللی عاطفی و با یا تغییر دادن فکر و نظر او دربارهٔ مجرم و استحقاق جهت عفو و گذشت به سبب عدم وسوسه‌پیشینی یا تعهد به عدم تکرار و مانند، شفاعت می‌کرد و سخن او مقبول می‌فتاد و از جرم و خطای شفاعت شده می‌گذشت.

پس در عرف جاهلی شفاعت به معنای حلال شدن برای دفع ضرر و برداشتن زینت از کسی و یا رساندن منفعتی به او بوده است. شفاعت در محاررات عرفی بدین معنا به کار می‌رود که شخص از پهرمندی از بزرگی بخواهد که از مجرمی بگذرد یا برای پاداش خدمتگزاری‌اش بیفزاید. کسی که واسطه است که دفع ضرر یا رفع زیان یا جلب منفعتی برای دیگری شود، شفیع و نفس عمل از شفاعت نامیده می‌شود.

اصل شفاعت در چارچوب مبانی و فلسفه آفرینش تعریف شده است. خداوند با این اصل همانند توبه می‌خواهد تا انگیزه بازگشت و نیز اصل توسل به اولیای الهی را در انسان تقویت کند تا شخص برای کسب شفاعت، به اولیای الهی نزدیک شده و زندگی ایشان را سرمشق خویش قرار دهد.

در اصطلاح فرهنگ قرآنی و اسلامی شفاعت به معنای واسطه شدن یک مخلوق، میان خداوند و مخلوق دیگر، در رساندن خیر یا دفع شر، خواه در دنیا و خواه در آخرت از اوست. در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می‌شود نیروی خودش به تنهایی برای رسیدنش به هدف کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می‌زند و آن را دو چندان می‌کند و به آنچه می‌خواهد نائل می‌شود، به طوری که اگر این کار را نمی‌کرد و تنها نیروی خود را به کار می‌یست، به مقصود نمی‌رسید، چون نیروی خودش به تنهایی ناکافی و ضعیف و نارسا بود. (طباطبائی، محمدحسین،ترجمه‌المیزان،موسوی‌همدانی،سیدمحمد باقر، ج ۱، ص ۱۲۸، پنج‌ چاپ، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ ش)
پس شفاعت در اصطلاح فرهنگ قرآنی و اسلامی، پیوسته به دیگری برای کمک و یاری رساندن به وی در پیشگاه خداوندی برای رهایی از مجازات است.

زلزله و حوادث طبیعی دیگر که در آنها انسان‌های بی گناه، خصوصا کودکان کشته می‌شوند، چگونه با کرامت و عدالت و رحمت خدا سازگار است؟

- برای پاسخ چند نکته قابل ذکر است:

الف) حوادث دلخراش و ناگواری مانند: سیل، زلزله، شیوع برخی بیماری‌ها و… در جهان طبیعت به چند صورت است:
براساس نظام علت و معلول که بر عالم و جهان هستی حاکم است، هر کار زمینهای لازم برای رویارویی با حوادث و بلاهای طبیعی مثل زلزله، سیل و… را فراهم نکند، آسیب‌پذیر و دستخوش از این قبیل حوادث ناخوش می‌شود.

توضیح اینکه: برخی بلاها و حوادث، نتیجه بی توجهی خود انسان‌ها است و چنین حوادثی لازمه طبیعت بوده و زمینه خسارات و زیان آن را خود انسان‌ها فراهم می‌کنند. به عنوان مثال اگر در منطقه‌ای یا شهری بر اثر حوادث طبیعی و سستی پوسته و جداره کره خاکی، زمین لرزه و خسارات مالی و غیر اسبسیاری حادث می‌شود، بسیاری از این خسارات‌ها در اثر عدم استحکام ساختمان‌های مسکونی و غیر است.استاندار، بودن آنها است، چون بر اساس نظم و غیر کارشناسان ساخته نشده‌اند و بر برابر حوادث طبیعی مقاومت ندارند. ولی اگر مردم کارهای خود را براساس نظم و به بهترین صورت انجام دهند

شفاعت به یک معنا درست و بر پایه مبانی و

آموزه‌های عقلانی و وحیانی است و به معنای دیگر نادرست و باطل است؛ چرا که باید با توجه به فلسفه شفاعت و اهداف آن به مسئله شفاعت نگریست و به تحلیل آن پرداخته‌وازشگناگری کرد. در مقام‌ازشگنازی باید به این نکته توجه داشت که شفاعت زمانی می‌تواند حق و درست باشد که در چارچوب اهداف و فلسفه آفرینش قرار گرفته باشد و ممانعی در سر راه تحقق فلسفه آفرینش نباشد.

در مقابل، شفاعتی باطل و نادرست و غلط است که در چارچوب مبانی و اصول اعتقادی اسلام و فلسفه آفرینش قرار نمی‌گیرد.

فلسفه آفرینش بر این نکته تأکید می‌کند که خداوند انسان را آفریده تا با تعلق به اخلاق خدایی و مناله شدن، در مقام خلافت قرار گیرد. بنابراین، هر آن چیزی که مانع از رسیدن انسان به صفات خدایی می‌شود و او را گسناخ کرده و از آن منحرف می‌سازد، امری باطل و نادرست است.اگر به فلسفه توبه در آموزه‌های اسلام توجه شود، به راحتی می‌توان فلسفه شفاعت را نیز به دست آورد. از آنجا که فلسفه توبه و هدف از ایجاد اصلی به عنوان توبه، سودمند و مفید است که موجب گشتن و ادامه مسیر به راحتی می‌توان فلسفه شفاعت را نیز به دست آورد. از آنجا که فلسفه توبه و هدف از ایجاد اصلی به عنوان توبه، تصحیح و نادرست است، می‌توان گفت که توبه زمانی سودمند و مفید است که موجب گشتن و ادامه مسیر باطل نشود؛ بلکه امیدی را در دل‌های نومید بارگیزد و امکان اصلاح فساد را در دل‌ها زنده کند.

اسلام با اصل توبه به انسان‌ها این امید را می‌بخشد که بدترین خطاها و گناهان بخشیده می‌شود و امکان اصلاح فساد و حرکت در مسیر کمالی و صحیح همواره وجود دارد و این گونه نیست که راه با بدترین فسادها بسته باشد بلکه انسان تا زمانی که عمر دارد و اجل نرسیده است می‌تولده به اصلاح فساد بپردازد و راه کمالی خویش را در پیش گیرد و نباید از رحمت الهی مایوس شود (زمر، آیه ۵۳)

املاصل توبه نمی‌یاست موجب‌شود تا انسان گسناخ شود و مسیر باطل را ادامه دهد؛ زیرا فرصت توبه از انسان گرفته می‌شود و چون اجل برای ما معلوم نیست چه زمانی خواهد بود (لغمان، آیه ۲۳) نمی‌توان تاخیر در توبه و اینکه در دم آخر عمر توبه خواهد کرد، گناه و فساد کند؛ چرا که هنگام اجل دیگر توبه‌ای پذیرفته نیست. اصل شفاعت نیز می‌بایست در این چارچوب تعریف و تبیین شود و نمی‌توان امید واهی به شخص داد و او

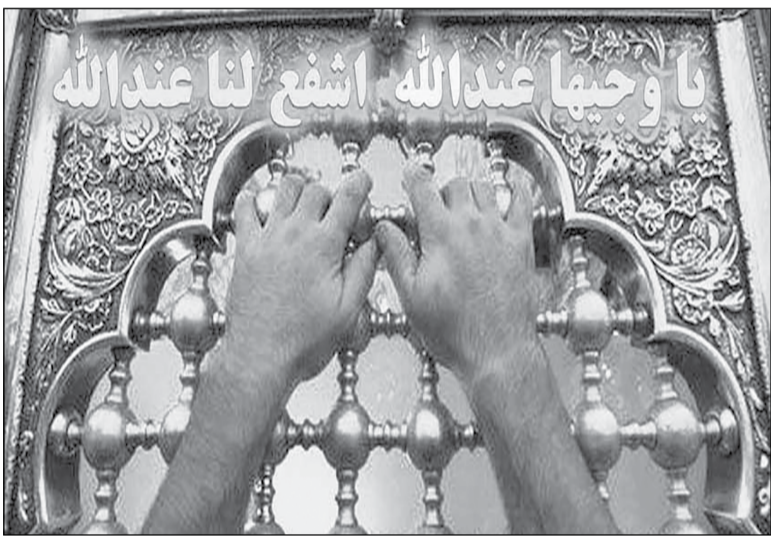
معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

در اصطلاح فرهنگ قرآنی و اسلامی شفاعت به معنای واسطه شدن یک مخلوق، میان خداوند و مخلوق دیگر، در رساندن خیر یا دفع شر خواه در دنیا و خواه در آخرت از اوست. در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می‌شود نیروی خودش به تنهایی برای رسیدن به هدف کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می‌زند و آن را دوچندان می‌کند و به آنچه می‌خواهد نائل می‌شود، به طوری که اگر این کار را نمی‌کرد و تنها نیروی خود را به کار می‌یست، به مقصود نمی‌رسید چون نیروی خودش به تنهایی ناقص و ضعیف و کوتاه بود.

را نپذیرد یا حتی اجازه نداشته باشد به او نزدیک شود، در آن صورت چگونه می‌تواند از شفاعت او بهره‌مند شود. از این روایت و روایات دیگر و حتی آیات قرآن به دست می‌آید که باید با کارهایی نخست دل شفیع را به دست آورد تا او اقبال به شفاعت کند. شفیع زمانی راضی می‌شود که شفاعت کند که یک ارتباط عاطفی محبت‌آمیز در میان شفیع و شفاعت شونده باشد که این نیز با فرار سوء فکرتن و اعمال خوب و مطلوب از نظر شفیع به دست می‌آید.اینکه باید توسل به وسیله‌ای جست تا شفیع راضی شود شفاعت کند، همان ایجاد محبت از طریق اطاعت است. (آل عمران، آیه ۳۱، احزاب، آیه ۳۳)

شفاعت تکوینی و شفاعت تشریحی

شفاعت دارای اقسامی است که از جمله می‌توان به شفاعت در دنیا و شفاعت در آخرت، شفاعت تکوینی و شفاعت تشریحی اشاره کرد. شفاعت تکوینی در شفاعت خداوند است که بر میزان پاداش نیکوکار (آیه ۲۳)



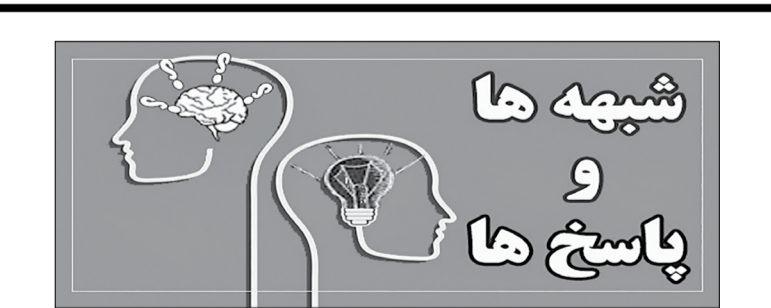
شفاعت، یک واقعیت قرآنی اما به شرطها و شروطها

علی جواهردهی

شفاعت تکوینی به معنای بهره‌گیری از اسباب است. شفاعت تکوینی تمسک و توسل به هر سببی در عالم اسباب است. به این معنا که انسان برای رسیدن به هر مقصد و مقصودی نیازمند اسباب خاص آن است. بهره‌گیری از اسباب مناسب آن چیز به معنای شفاعت تکوینی است. این گونه شفاعت در دنیا تحقق می‌یابد؛ زیرا اولیا دارالاسباب است و برای رسیدن به هر مقصود و منظوری باید سبب‌های خاص آن را شناخت و به کار گرفت. اما شفاعت تشریحی بر اساس آموزه‌های اسلام که مربوط به ثواب و عقاب است، محل آن در آخرین موقعیت قیامت است. در اینجا است که شفاعت‌کننده تقاضای مغفرت شفاعت‌شونده را می‌کند تا بدین وسیله وارد دوزخ نشود یا با شفاعت او بعضی از کسانی که وارد دوزخ شده‌اند، از آن خارج شوند. (المیزان، ج ۱، ص ۱۷۳ – ۱۷۴) چنین شفاعتی از مسلمات اسلام است و هیچ کسی درباره آن تشکیک و تردید ندارد.(شرح صحیح مسلم ج ۳ ص ۲۵ باب اِبْتِائِ الشَّفَاعَةُ وَخُرَاجِ الْمَوْجُودِینَ مِنَ النَّارِ)

سید مرتضی از علما و فقهای بزرگ شیعه درباره اصل شفاعت تشریحی می‌فرماید:
شفاعت نمودن پیامبر اکرم(ص) فقط در برداشتن عقاب و عذاب گناهکار است و این شفاعت در مورد رسیدن منافع به شخص نمی‌باشد، زیرا حقاقت شفاعت اختصاصی به برداشتن عقاب و عذاب گناهکار دارد. (حسینی، سیداحمد، رسائل العربیة ص: ۱۲، ص ۱۱۷)

شیخ طوسی نیز در بیان شفاعت تشریحی می‌فرماید: حقیقت شفاعت در نزد ما در مورد رسیدن منافع به شخص نمی‌باشد بلکه در مورد برداشتن عقاب و عذاب گناهکار است. هر عقیده ما پیامبر اکرم مؤمنین را شفاعت می‌فرماید و خداوند نیز شفاعت ایشان را می‌پذیرد و خداوند تبارک و تعالی عقاب و عتاب را در نتیجه این شفاعت از مستحقین آن (البته از کسانی که اهل نماز باشند) برمی‌دارد؛ زیرا شخص شخیص رسول اکرم(ص) شفاعت‌کننده است. اگر خود شفاعت‌کننده، خطاکار و گناهکار باشد گناهی را که می‌سازند، براساس معیارهای قانونی و استاندارد باشد، به طور قطع با گرفتار حوادث طبیعی نمی‌شوند یا دست‌کم خسارات به میزان قابل توجهی کمتر خواهد بود. از این رو گونه موارد، به خداوند متعال ربطی ندارد چون او عادل و مهربان است و به کسی ظلم نمی‌کند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند هیچ بر مردم ستم نمی‌کند، ولی این مردم هستند که خود را مستحق ستم می‌کنند.»^(۱)
این گونه حوادث ممکن است نوعی امتحان و آزمایش برای انسانها باشد.استحکام و آزمایش بندهانگ، یکی از سنت‌های خداوند متعال است و او همواره



رابطه حوادث طبیعی با عدالت و رحمت خدا

بنگذاشت را در صحنه‌های مختلف مورد آزمایش قرار می‌دهد. چنان که قرآن می‌فرماید: «به طور قطع شما را با چیزی (از قبیل) ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزمایم و مژده باد گشکبیاران را.» و این سنت الهی هیچ‌گاه تعدیل‌ر‌دار نیست.»^(۲)

۳. خدای مهربان، عدالت، عملی برای بازگشت و بیادری از غفلت است؛ غرور، غفلت،… همواره

شرک نمی‌گذرد. پس توحید و اعتراف به آن، معیاری برای برخورداری از مقام شفاعت است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. کافران و مشرکان هرگز به‌راهی از شفاعت نخواستند.برد.(زخرف، آیه ۸۶)
از این رو شفاعت (براهیم‌ع) نسبت به قوم لوط پذیرفته نشد (هود، آیات ۷۴ و ۷۶) و یا شفاعت نوح(ع) در حق فرزند کافرش (هود، آیات ۴۵ و ۴۶) یا قوم کافرش رد شده بود. (هود، آیات ۳۶ و ۳۷)

۴. خوف از خدا؛ کسی از شفاعت شیعیان بهره‌مند خواهد شد که خاترس باشد و از گناه و خطایی که کرده و عذاب الهی ترسند. به این معنا که از روی علم و آگاهی امیدوار به عفو الهی و گذشت او بوده و از جلال الهی بهراسد. خود را به سوی جمال الهی بکشدند و عفو او را طلب کند. از غضب الهی به رحمت الهی پناه برد. (انبیاء، آیه ۲۸)

۵. رضایت خدا؛ از دیگر شروط پذیرش شفاعت، رضایتمندی خداوند است. در آیات ۲۶ و ۲۸ سوره انبیاء قبول شفاعت فرشتگان از بندگان، مشروط به دینداری این نیز با فرار سوء فکرتن و اعمال خوب و مطلوب از نظر شفیع به دست می‌آید.اینکه باید توسل به وسیله‌ای جست تا شفیع راضی شود شفاعت کند، همان ایجاد محبت از طریق اطاعت است. (آل عمران، آیه ۳۱، ج ۱، ص ۲۱۴)

شرایط شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده

اصل اولی در شفاعت مطابقت جرم و مجازات است. از این‌رو خداوند در آیاتی از جمله ۲۶ سوره نبا از جزا و عقاب سخن گفته است؛ چرا که مجازات بیش از اندازه به عنوان ظلمتی می‌شود و خداوند هرگز مستکرم نیست که راه افراط را در پیش گیرد و در حق مجرم ظلم کند. (آل عمران، آیه ۱۸۲، انفال، آیه ۱۵، حج، آیه ۱۰)

۶. قدرت؛ از شروط شفاعت‌کننده قدرت است. تنها کسی می‌تواند شفاعت کند که قدرت داشته باشد یا متصل به قدرت باشد. از آنجا که قدرت اصلی از آن خداست و او مشنا قدرت است، پس باید شفاعت‌کننده خود متصل به قدرت الهی باشد. (یونس، آیه ۱۸، یس، آیه ۲۳)

۷. مالکیت؛ شفاعت‌کننده همچنین باید مالکیت داشته باشد. این مالکیت در اصل برای خداوند و کسانی است که مورد رضایت او هستند. از این رو در شرایط شفاعت، مالکیت و فرماترایی، به عنوان شرط تأثیر شفاعت نزد خداوند در آیات ۴۳ و ۴۴ سوره زمر و ۲۵ و ۲۶ سوره نجرم مطرح شده است.

۸. علم؛ زمانی شفاعت تأثیرگذار است که شفیع دارای علم باشد. خداوند در آیه ۸۶ سوره زخرف، علم به استحقاق ایمان از شرایط شفاعت دانسته است. پس اگر شفیع نسبت به وضعیت شفاعت شونده جاهل باشد، نمی‌تواند شفاعت تأثیرگذار و ماندنی داشته باشد. از همین جا دانسته می‌شود که هر کسی به مقام شفاعت نمی‌رسد تا از کسی شفاعت کند مگر آنکه از علم شهودی نسبت به شفاعت شونده برخوردار باشد. از

شفاعت، یک واقعیت قرآنی اما به شرطها و شروطها

می‌افزاید و از فضل خویش می‌بخشد. پس خداوند می‌تواند از مجازات بکاهد یا حتی عفو کند و از گناه، جرم و خطا بگذرد(مانده، آیه ۱۱۸) البته این‌گونه نیست که خداوند بدون توجه به اهداف آفرینش و فلسفه آن عمل کند، بلکه همه احکام و اصول خود برای اسباب مبنای است. این عمل را در حقیقت شفاعت در اسلام اثبات شده است. این عمل از نظر عقل و شرع هر دو عملی مثبت و نیک و خوب ارزیابی شده است. اما برای دستیابی به شرایط شفاعت لازم است تا از سوی شفاعت‌شونده اقداماتی انجام شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- توبه و استغفار**: خداوند در آیه ۶۴ سوره نساء استغفار و توبه به پیشگاه خدا را زمینه‌ای برای پهرمندی از شفاعت محقق‌شده دانسته است. استغفار به معنای طلب آمرزش و توبه به معنای بازگشت از مسیر انحرافی به سوی مسیر درست و از غیر خدا به سوی خداست. این بنان معناست که شخص خطاکار، هم متوجه نادرستی اعمال خود شده و هم اینکه می‌خواهد مسیر درست را ببیماید و مسیر انحرافی خود را تغییر دهد و به راه راست در آید.
- آدن الهی**: در شفاعت، مهم‌ترین شرط، آدن الهی است؛چرا که اگر دو نفر می‌خواهند برای شفاعت نزد کسی بروند باید نخست آن شخص که در نزدش عقاب و عذاب گناهکار دارد (حسینی، سیداحمد، رسائل العربیة ص: ۱۲، ص ۱۱۷) از او بزرگوارتر باشد. بنابراین، امکان ندارد که کسی بدون آدن شفاعت کند و اگر غیر ماژون شفاعت کند هیچ تأثیری بر شفعات او مترتب نخواهد شد. (قره، آیات، ۴۸ و ۱۱۲، سوره ابراهیم، آیه ۳، طه، آیه ۱۰۹، سبأ، آیه ۲۳، نجم، آیه ۲۶)
- توجهید**: از دیگر شرایط شفاعت آن است که شخص اصل توحید را باور داشته باشد و اهل شرک نباشد، زیرا شفاعت در حق مشرک پذیرفتنی نیست و خداوند اگر همه گناهان اهل توحید را ببخشد هرگز از امان آن در شفاعتم‌وارد کند. بر پروردگار من است

۴. گاهی خداوند متعال برای از بین بردن آثار گناهان، حوادث و بلاها را به عنوان کفاره گناهان بر انسان‌ها نازل می‌کند تا به لطف و کرمش قسمتی از گناه گناهکاران را در همین دنیا و قبل از فرارسیدن مرگ بشوید تا در جهان آخرت گرفتار عذاب‌های شدید و دردناک نشوند.

ب) براساس آیات قرآن کریم، اجل دو گونه است:
۱. اجل مسمی (حتمی). ۲. اجل معلق (غیر حتمی)؛ هَسُوْا اَجَلَكُمْ مِنْ طَیْنِ ثَمَمٍ فَسَوِیَ الْجَدَلِ وَ سَمٰى عِنْدَهُ ثَمَمٌ لِّتَمِّمْ تَمَثَّرُوْنَ^(۱)؛ اوست که شما را از گل آفرید، سپس (برای زندگی شما) مدتی تعیین کرد و مدت معین (عمر هر انسان) نزد اوست.

اجل مسمی و حتمی همان پایان استعدا جسم انسان برای بقا است و یا باور راسیان آن همه چیز به فرمان خداوند پایان می‌گیرد. اجل معلق (غیر حتمی) نتیجه بی‌تدبیری انسان یا امتحانی یا جوب خداست نیز با دگرگونی شرایط، دگرگون می‌شود؛ مثلاً اگر انسان روزن ساختمان‌های غیر استاندارد و سست زندگی بکند و یا در مکانی که در معرض حوادث طبیعی است ساختمان سازد کند و… دچار حوادث می‌شود. در حالی که اگر معیارهای اصولی ساختمان را رعایت می‌کرد، دچار چنین حوادث ناگوار نمی‌شد و سال‌ها می‌توانست زندگی کند. بنابراین اگر اجل معلق و مسمی را از هم جدا کنیم، بسیاری از مسائل درباره قضا و قدر و… حل خواهد شد.^(۲)
پس حوادث طبیعی

که خواسته‌سبب مرا درباره آن اجابت کند. آنان پیروان من هستند و هر که از من پیروی کند، از من است. (بحرالانوار، ج ۲۷، ص ۹۲)
اگر کسی تحت ولایت در آید از شفاعت بهره‌مند خواهد شد و گناهانش بخشیده می‌شود؛ زیرا اهل توحید است و خداوند گناهان اهل توحید را می‌بخشد و اگر در این میان شفاعت نیز صورت گیرد کار بس آسان‌تر خواهد شد. از این رو حضرت فاطمه (س) فرمودند: اِنَّا خَیْرَتْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ اَشْفَعُ عَمَلَهُ اَیْمَانِیْ؛ آنگاه که در روز قیامت برگزیده‌شده شوم، گناهکاران امت پیامبر اسلام را شفاعت خواهم کرد. (إحراق الحقّ، ج ۱۹، ص ۱۲۹)

از آنچه گذشت این نکته معلوم می‌شود که امید واهی به شفاعت نباید داشت؛ زیرا تحقق شرایط در شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده از اصولی است که باید به آن توجه داشت. از این رو خداوند به یهودیانی که به امید شفاعت هر کاری را انجام می‌دهند سرزنش می‌کند و امیدیشان را نادرست و ناروا می‌شمارد. خداوند در آیات ۴۷ و ۴۸ سوره بقره به یهودیان هشدار می‌دهد که امید بیهوده به شفاعت خویش در قیامت از سوی انبیا نداشته باشند؛ چرا که باید شرایط شفاعت‌شونده را کسب کند که ایشان به آن توجه و عنایتی نداشتند پس دنیاگرایانی که فراموش کنندگان قیامت در دنیا هستند نمی‌بایست از روزمندی پهرمندی از شفاعت شیعیان را در قیامت یادداشت کنند؛ چنن امید واهی و بیهوده است. (اعراف، آیه ۵۳)

شفاعت‌کنندگان چه کسانی‌اند؟

با توجه به شرایطی که برای شفاعت‌کننده بیان شده می‌توان گفت که شفاعت‌کنندگان نمی‌توانند انسان‌های معمولی باشند، بلکه تنها کسانی که مظهر صفات الهی هستند کنند. می‌توانند شفاعت کنند. حال این مظهریت تکوینی جعلی باشد یا اینکه با تلاش و مجاهدت به دست آمده باشد. از آیات بسیاری از جمله ۲۵۵ سوره بقره، ۵۱ و ۷۰ سوره نعام و ۳ سوره یونس برمی‌آید که شفاعت مطلق به خداوند اختصاص دارد، ولی برخی از موجودات به علی می‌توانند شفاعت کنند.

همچنین از آیه ۴۸ سوره مدثر این معنا به دست می‌آید که شفاعت‌کنندگان به پیشگاه خداوند در روز قیامت متعدد هستند و شفاعت‌کنندگان در روز قیامت دلوایس حال دیگرانند و می‌خواهند به گونه‌ای به یاری دوزخیان باشندند و آنها را از آتش دوزخ رهایی دهند. به سخن دیگر اینان همچنان که در دنیا خود را به رنج می‌افکنندند و خواهان هدایت مردمان بودند تا از آتش دوزخ در امان باشند (کهف، آیه ۶۰ شعراء، آیه ۳) همچنین در آخرت دلوایس مردمان هستند و می‌خواهند آنها را از عذاب دوزخ برهند. از این‌رو وقتی شفاعت ایشان می‌شود، باید به آرامش می‌رسند و دلپایان شفاعت فرشتگان الهی نیز برخوردار از مقام شفاعت در حیطه آن‌ها می‌هستند (انبیاء، آیات ۲۶ و ۲۸) همچنین پیامبرانی چون حضرت ابراهیم(ع) و نوح(ع) از مقام شفاعت برخوردارند؛ برخی از مؤمنان و شهدای اسلام نیز در مقام شفاعت قرار می‌گیرند. (مریم، آیه ۸۶) از دیگر شفیعان می‌توان از شوهر یاد کرد. امام باقر(ع) در این باره می‌فرماید: لا شفیع لکم اِلاَّ اَنْجِحَ مَعَنِيْ هَؤُلَاءِ رِضًا وَرِجَاهًا هِیَج شِیعِیْ بَرِیِّ اَنْ نَزِدَ رِبْرِیْرَ کَافِرٍ نَجَاتٍ بَخْشِرَ تَرِ از رضایت شوهرش نیست. (خصل، ص ۵۸۸)

آثار شفاعت

شفاعت برای شفاعت‌کننده و شفاعت‌شونده آثار دارد. شفاعت‌شونده با شفاعت از تأثیرات بد خطا و گناه ایمن می‌شود. (آهاف، آیه ۴۶)

زمانی شفاعت تأثیرگذار است که شفیع دارای علم باشد. خداوند در آیه ۸۶ سوره زخرف، علم به استحقاق ادمیان را از شرایط شافعان دانسته است. پس اگر شفیع نسبت به وضعیت شفاعت‌شونده جاهل باشد، نمی‌تواند شفاعت تأثیرگذار و ماذونی داشته باشد.

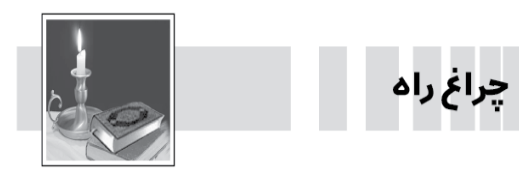
از اَخٰةٍ وَّالْفَلْحِ وَّالْفَلَاحِ وَالتَّجَاحِ وَالتَّرْبِکَةِ وَالتَّعَفُّوْ وَالعَاقِبَةِ وَالمَعَافَةِ وَالتَّیْسْرِ وَالتَّصَرُّهَ وَالرِّضَا وَالفَرْبُ وَالقَرَابَةَ وَالتَّصَرُّ وَالتَّطَرُّ وَالتَّکْمِیْنَ وَالسَّرُوْ وَالتَّخَفُّ مِنْ اللّٰهِ وَتَبَارَکَ وَتَعَالٰی عَلٰی مَنْ اَخْبَ عَلٰی بِنِیْ (طالبرع)
این شفاعت خاص می‌رسد که در آیه ۲۳ سوره سبأ، به آن اشاره است. (تک، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۸۰-۷، ص ۶۰۰)
و پاداش آن (انساء، آیه ۸۵)
البته باید توجه داشت که شفاعت کردن در دنیا تأثیرات بد و خوبی برای انسان به دنبال خواهد داشت. به این معنا که وساطت و شفاعت در انجام دادن کارهای خیر، موجب سهیم شدن در نجات و رضایتمندی، قرب و خوشبوایی، یاری و معیاری بر شفاعت در کار ناپسند، سبب سهیم شدن در پیامدهای ناگوار آن خواهد شد(همان)
به سخن دیگر، از آثار شفاعت شراکت در عمل خوب و بد شفاعت شونده در دنیاست. سخن درباره شفاعت بسیار است ولی به همین مقدار بسنده می‌شود.

برخی بلاها و حوادث، نتیجه بی توجهی خود انسان‌ها است و چنین حوادثی لازمه طبیعت بوده و زمینه خسارات و زیان آن را خود انسان‌ها فراهم می‌کنند.

و غیرمترقبه می‌تواند رازیه‌ها و جوابات مختلفی داشته باشد که به برخی از آنها اشاره شد. با توجه به مطالب یاد شده، حوادث مذکور هیچ کدام مخالف عدالت و رحمتی وی نمی‌خواهد بود، بلکه این حوادث یا در نتیجه بی‌تدبیری انسان یا امتحانی یا جوب خداست یا باعث بیداری و دوری از غفلت می‌باشد و یا اینکه فکراهی است برای گناهان انسان تا در نتیجه آن عذاب آن گناهان در آخرت شخص را گرفتار نکند.

- ^۱.یونس، آیه ۴۴.
^۲. بحرالانوار، ج ۱، صص ۲۳۲-۲۴۱.
- امام ۴.
۶. یک مکارم‌مشرقی، نامر و همکارن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۲۰۹.

صفحه ۷
شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳
۴ شوال ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۵۵۲



چراغ راه

مفهوم زهد قرآنی

قال الامام علی(ع): الزهد کل بین کلمتین من القرآن:

قال الله سبحانه: «لکلیلا تاسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاککم.»

امام علی(ع) فرمود: زهد در دو جمله از قرآن جمع شده است: خداوند سبحان می‌فرماید: تا برای آنچه از دست شما می‌رود اسفوس نخورید و برای آنچه به شما می‌دهد شادمان نشوید. ^(۱)

۱- در آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۴۲، ح ۸۰۳

حکایت خوبان

آثار زهد رهبران جامعه

امام علی(ع) در تبیین سبک زندگی رهاخانه خود می‌فرماید: خدا مرا پیشوا قرار داده است و من وظیفه خاصی دارم که در خوراک و پوشاک و در زندگی‌ام مانند ضعیف‌ترین افراد امت باشم. تا فقیر به این وسیله تسکین خاطری پیدا کند، و غنی هم که مرا می‌بیند که در راس اجتماع هستم، غنایش او را طغی و یاغی نکند. ^(۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۷

پرشش و پاسخ

فلسفه زهد اسلامی (۱)

پرشش:

آیا مدیر جامعه‌ای که بی‌رغبتی به دنیا را در میان مردم به عنوان یک ارزش مطرح می‌کند می‌تواند چنین جامعه‌ای را به رشد و توسعه و سرمنزل مقصود برساند؟
پاسخ:

مفهوم زهد

کلمه زهد در اصل معنی لغوی آن یعنی بی‌میلی و بی‌رغبتی و زاهد کسی نیست که به حسب طبیعت و ذات خود به اشیاء بی‌رغبت باشد. مثل مریضی که به طور طبیعی به غذا میل ندارد، بلکه کسی است که به حسب طبیعت و غریزه ذاتی خود به دنیا و لذات مادی آن رغبت دارد ولی به خاطر اهداف متعالی و آرمان‌های مقدسی مثل، و رفتارش مانند مردم بی‌رغبت است. یعنی از چیزی که به آن میل و رغبت دارد به خاطر اهداف و ارزش‌های بالاتری از آن صرف‌نظر می‌کند.

زندهای منفی

دو نوع زهد است که ما با مراجعه به نصوص قطعی اسلام می‌توانیم بفهمیم که این دو نوع زهد در اسلام وجود ندارد. ولی در غیر اسلام این دو نوع زهد وجود دارد: یکی از آنها بدین معنا است که کار دنیا و آخرت از یکدیگر جدا است. بعضی کارها مربوط به دنیا است مانند کسب و تجارت و زراعت و صنعت و دنبال روزی و تحصیل مال دنیا رفتن و دیگری کارهای مربوط به آخرت است. یعنی عبادت که شامل دعا خواندن، روزه گرفتن، ریاضت کشیدن و سایر عبادت‌ها که در این رابطه زهد یعنی رها کردن زندگی دنیا برای انجام فعالیت‌های عبادی. در المسجد زهد این‌گونه معنا شده است. زهدی است ترک کار دنیا و لذت‌های یعنی کار دنیا را رها کردن به جهت اینکه برای عبادت فراغت پیدا کند. بنابراین کار دنیا و آخرت از هم جدا است و دو حساب و کتاب و ساز و کار جداگانه دارد. مفهوم دیگر زهد منفی این است که نمی‌گوییم قلمرو دنیا و آخرت از هم جداست بلکه می‌گوییم همه کارهای دنیا را باید انجام داد چون واسطه است ولی حساب لذت دنیا در حساب لذت آخرت جدا است. ما یا باید در دنیا لذت ببریم و لذت آخرت خراب باشیم، یا لذت آخرت را با دست می‌خوریم و لذت دنیا محروم شویم، بولی سینار در نطف‌نهم اشارات می‌گوید: کسی که لذت دنیا اعتراض می‌کند برای اینکه به لذت آخرت برسد اصلا(حاجز) زاهد می‌گویند.

مفوم واقعی زهد

در اسلام زهد وجود دارد، اما به عنوان یک تکلیف وجوبی برای همگان نیامده است. بلکه یک فضیلت و کمالات است که برای اهداف و منظورهایی توصیه شده است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، ص ۲۷ می‌فرماید: «ستفین و رهیزگر کارنی در دنیا هستند که هم نعمت دنیا را بردهند و هم نعمت آخرت را. در دنیا در بهترین مسکن‌ها نشسته‌اند و بهترین غذاها را خورده‌اند و در عین حال به نعمت بقایی هم رسیده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: یا کای‌ها را برای شما حلال و حلالت را برایتان حرام گردانیدیم (اعراف- ۱۵۷) یا در اینکه دیگری می‌فرماید: بگو چه کسی حرام کرد زیورهای خدا را که برای انسان آورده است؟ چه کسی رزق‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ (اعراف- ۳۲) یا در آیه دیگر می‌فرماید: از روزی‌های یا کای‌ها که مادی‌هایمان استفاده ببرید. «کلاوا من طیبات ما زودنماکم.» (طه- ۸۱)

اهداف زهداسلامی

اسلام برای اهداف متعالی و تکامل بخشی قبول می‌کند که انسان در دنیا زاهد باشد و از لذت‌های حلال و مشروع چشم ببوشد، که در اینجا به اهم آنها اشاره می‌کنیم:

۱- **ایثار و از خودگذشتن**